

نهادگرایی در حسابداری

زهرا جودکی چگنی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
Z.h.r.joudaki@gmail.com

چکیده

نهادگرایی رویکردی میانرشته ای است که از دانش‌هایی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و حقوق استفاده می‌کند تا رفتار عاملان اقتصادی را فهم کند و مفروضات دقیقتری برای وصف رفتار آنان ایجاد کند. هدف از پژوهش حاضر، بسط مبانی و تبیین اهمیت نقش محوری نهادها و رویکرد نهادگرایی بر توسعه اقتصادی و بهبود حرفه حسابداری است. این پژوهش از لحاظ روش، مروری و به ارزیابی پژوهش‌هایی که در گذشته انجام شده می‌پردازد. بر اساس پژوهش‌های پیشین می‌توان نتیجه گرفت که نهادگرایان جدید، ضمن نقد نظریات نئوکلاسیک، سعی در توسعه و ارائه یک تئوری توسعه مبتنی بر سازمان و تغییر و تحول نهادی با هدف ارتقا و ترویج رشد اقتصادی نمودند. همچنین شواهد موید این مطلب است که ایدئولوژی به عنوان بخشی غیرقابل مشاهده و ایده‌آل از نظم نهادی، افراد در نهادها را قادر می‌سازد تا الگوهای رفتاری سازگار را انتخاب کنند. مضافاً، نهادها در توسعه حسابداری اجتماعی و زیست محیطی نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

واژگان کلیدی: نهاد، نهادگرایی، ایدئولوژی، حسابداری اجتماعی، توسعه اقتصادی.

مقدمه

انسان در جهت تامین نیازهای خود و با استفاده از منابع موجود به دنبال یافتن رابطه‌ای حتمی و مطابق با پدیده‌های اقتصادی است. ذهن انسان با یافتن این روابط، نظریات اقتصادی گوناگونی را شکل می‌دهد. برخی از این نظریات اقتصادی با اصول و قواعد یکسان می‌توانند تشکیل یک مکتب اقتصادی را بدهند. هر مکتب اقتصادی بر مبنای یک سری اصول و دیدگاه‌های رایج در جامعه پدید می‌آیند. پیدایش و گسترش مکتب اقتصادی و پایداری آن در طول زمان به این مسئله وابسته است که این مکتب تا چه حد می‌تواند پاسخگوی مسائل جاری جامعه باشد. در اقتصاد نئوکلاسیک، رشد اقتصادی روزافزون جوامع سبب سیستم نامناسب توزیع عادلانه درآمد و افزایش فاصله طبقاتی شد. در همین راستا بود که مکتب اقتصادی با نام نهادگرایی دیدگاه انتقادی را نسبت به مکتب نئوکلاسیک مطرح کرد (ناگندراکومار، ۲۰۱۹). چالش‌های مدرن جهانی و مشخصات سیستم‌های اقتصادی به طور فعال بر حسابداری به عنوان منبع اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری مدیریتی در امور تجاری تأثیر می‌گذارند. در واقع، نهادگرایی شامل اصلی‌ترین ویژگی‌شناسایی مبانی توسعه نظریه مدرن حسابداری می‌باشد. نهادگرایی به عنوان مفهومی که نتایج فعالیت‌های نهادهای مختلف را با هم ترکیب می‌کند و اساس حسابداری را تشکیل می‌دهد، ترکیبی از رویکردهای جدید را فراهم کرده و به طور فعال بر روش حسابداری به طور کلی تأثیر می‌گذارد (سمینشنا و همکاران، ۲۰۲۰). در حقیقت، نهادگرایی تحولی جدید در نظریه سازمان است که ارتباط زیادی با تحقیقات حسابداری دارد.

نهادگرایان معتقدند که رویه‌های حسابداری می‌تواند از طریق ساختن عقلانیت و کارایی به سازمان‌ها مشروعیت بخشند (برث و کاروثر، ۱۹۹۵). رویکرد نهادگرایی به توسعه و بهبود حرفه حسابداری کمک می‌کند (سمیشنا، ۲۰۱۶). این نگرانی وجود دارد که نهادگرایی جدید به دلیل تأکید بیش از حد به فرهنگ و معانی طبیعی برای تشخیص تعارضات سازمانی سبب چشم پوشی از قدرت و کنترل می‌شود. توسعه حسابداری وجود بسیاری از عناصر قابل توجه را نشان می‌دهد که نشانگر تأثیر نهادگرایی بر سیستم و نظریه حسابداری است. نظریه نهادی به درک بهتر و عمیق‌تری از روند تغییرات مرتبط با تصویب و اجرای استانداردهای بین‌المللی حسابداری کمک می‌کنند (گریرو و همکاران، ۲۰۲۰). حسابداری به عنوان جریان نهادگرا به درک فعالیت‌ها مطابق با مجموعه‌هایی خاص از قوانین حسابداری کمک می‌کند و تصمیم‌گیری و انتخاب فعالیت‌ها در جهان پیچیده و نامطمئن را تسهیل می‌کند. چنین رویکردی به پژوهشگران کمک می‌کند که نگاهی جدید به ماهیت رویه‌های حسابداری داشته باشند (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۶).

با توجه به اهمیت فوق‌العاده نهادها و ضرورت برخورداری از یک بینش جامع و فراگیر در مورد آنها، در این مقاله تلاش می‌شود برای ایجاد درکی مناسب از مسأله، ابتدا تعاریف ارائه شده توسط نهادگرایان مورد بررسی قرار گیرد و سپس بر برخی از تفاوت‌های موجود در بینش نهادگرایان جدید و قدیم متمرکز تأکید می‌شود. اما مسأله قابل تامل این موضوع می‌باشد که نهادها چه نقشی در هدایت پدیده‌ها و فعالیت‌های حسابداری و اقتصادی ایفا می‌کنند. چرا که نهادها باید در جهت بهبود محیط کسب و کار و رفع موانع برای فعالیت‌ها گام بردارند. رویکرد نهادگرایی برای کسانی که دقیقاً به دنبال یافتن راه‌حل‌های بهینه برای مسائل و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی می‌باشند، ناامیدکننده و کسل‌کننده خواهد بود. در ادامه، مبانی نظری پژوهش در قالب تبیین مفهوم نهاد و نهادگرایی، ویژگی اصلی اقتصاد نهادگرایی، تقابل رویکرد نهادگرایی قدیم و جدید، نهادها و ایدئولوژی‌ها، نهادگرایی جدید در پیشبرد حسابداری اجتماعی و محیطی مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس پیشینه داخلی و خارجی مرتبط با نهادگرایی بررسی می‌گردد.

مبانی نظری پژوهش

تبیین مفهوم نهاد و نهادگرایی

در معرفی و شناخت نهاد تعریف یکسان و اجتماعی وجود ندارد و هر کس مطابق تفکر و اعتقاد خود به تعریف جداگانه‌ای از نهاد می‌پردازد. به تعبیر نورث (۱۹۹۵)، نهادها قواعد بازی در یک جامعه هستند که به دو قسم قواعد رسمی (قوانین و مقررات مکتوب) و قواعد غیررسمی (نظام باور، ارزش‌ها، هنجارها، عادات و عرف) تقسیم می‌شود. نهاد، نظام سازمان یافته روابط اجتماعی است که متضمن ارزش‌ها و رویه‌های عمومی معین است و نیازهای معینی از جامعه را برآورده می‌سازد (کامپل، ۱۹۹۷). نهادها، محدودیت‌ها و قواعدی هستند که رفتار اقتصادی کنشگران و بازیگران را تعیین می‌کند. در حقیقت نهادها، رابطه انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند و از طریق اعمال محدودیت و قیود بر روی یک فرد، یک فرصت برای فرد دیگری است (سلزینیک، ۱۹۹۶). از نگاه فنا (۱۹۹۸)، نهادها می‌تواند شامل دولت، سازمان فراملی مثل سازمان ملل، نهادهای بین‌المللی و موسسات غیر دولتی نظیر شرکت‌های بازرگانی باشد. نهادها افراد را توانمند می‌سازند تا کاری را انجام دهند که به تنهایی در انجام آن ناتوانند (یوسفی، ۱۳۹۲). افزون بر این، هاجسون (۲۰۰۶) معتقد است که نهادها را به عنوان نظامی از قواعد تثبیت شده و رایج در جامعه که به تعاملات اجتماعی ساختار می‌دهند، تعریف می‌کند. نهادها از طریق کاهش نااطمینانی‌ها، رفتار افراد را در جامعه هماهنگ می‌سازند (هایک، ۱۹۴۶). نهادها می‌توانند نقش مهمی در کاهش هزینه‌های معامله، عدم اطمینان بازار، هزینه‌های اطلاعات و همچنین در کمک به نظارت و اجرای قراردادها داشته باشند (کابل، ۱۹۹۵). با این وجود ذکر این نکته حائز اهمیت است که تأکید صرف بر

نهادهای به منظور پیشبرد برنامه‌ها و توسعه اقتصادی کارساز نمی‌باشد. چرا که تجویز قواعد و اصول مشخص به دلیل پیچیدگی‌های فعالیت‌ها و شرایط مختلف سازمان‌ها مفید نمی‌باشد.

نهادگرایی رویکردی است که نقش نهادها را در فرآیند توسعه به رسمیت می‌شناسد (مومنی، ۱۳۹۹). در حقیقت، نهادگرایان بر اهمیت نهادها و تکامل تدریجی آن‌ها و زیرساخت‌های اجتماعی اقتصادی تاکید دارند. نهادگرایان معتقدند که چون افراد در جامعه زاده و بزرگ می‌شوند و هر جامعه دارای ساختار نهادی معین و از قبل موجود و تعریف شده است و به آن عمل می‌شود، لذا رفتار افراد در بازار از جامعه و مسائل فرهنگی و نهادی آن تاثیر می‌پذیرد. به عبارت دیگر، از نظر مکتب نهادگرایی، خواسته‌ها و ترجیحات افراد بصورت طبیعی از طریق اثرات متقابل افراد با محیط و فضای اقتصادی اجتماعی شکل می‌گیرند (رمضانی و میرفردی، ۱۳۹۳). طبق رهیافت نهادگرایی، مجموعه قوانین و هنجارها و ارزش‌هایی که در قلب و اندیشه افراد یک جامعه نوشته می‌شود، نقش بسزایی در توسعه‌یافتگی جامعه دارند. هنجارهای رفتاری، سنت و آداب و رسوم و به طور کلی محدودیت‌های غیررسمی شرط لازم برای عملکرد خوب اقتصادی هستند (مشهدی، ۱۳۹۲). اعمال هر قاعده، قانون و مقرراتی که با خوی فطری انسانی و با ویژگی‌های ارزشی یک جامعه منافات داشته باشد، کارکرد اقتصادی را متزلزل خواهد کرد (متوسلی، ۱۳۸۷).

ویت (۱۹۵۴) معتقد است که رویکرد نهادگرایی بر چندین اصول نهادگرایی استوار می‌باشد. اول، نهادگرایان بر اهمیت و تکامل تدریجی نهادها تاکید دارند. آن‌ها معتقدند که نهادها مهم و تغییرپذیر هستند. اگر چه نهادها تغییر می‌کنند اما تغییر آن‌ها آهسته، غیرعمدی (آداب و رسوم و فرهنگ) و یا عمدی (قوانین و مقررات) است. نهادگرایان، نظریات نئوکلاسیکی مبنی بر مکانیزم تغییر و تعدیل را مردود نمی‌دانند. اما بر واقعیات انتخاب فردی و جمعی تاکید دارند. دوم، نهادگرایان بر اهمیت کنترل اجتماعی و اعمال اقدام دسته جمعی تاکید دارند. آن‌ها نظریات نئوکلاسیک‌ها مبنی بر عملکرد مکانیکی خودکار بازار را نمی‌پذیرند. به نظر آنها عملکرد بازار مستقل از اقدامات و کنترل انسانی نیست. نهادگرایان معتقدند که نحوه شکل‌گیری و کارکرد بازارها تحت تاثیر نهادها قرار دارد. به نظر آن‌ها نهادها، عامل کنترل اجتماعی و تضمین‌کننده آزادی فردی و جمعی هستند. سوم، نهادگرایان بر تکنولوژی به عنوان یک نیروی اصلی در تبدیل سیستم اقتصادی نقش اساسی دارند. چهارم، نهادگرایان نهادگرایان معتقدند که عامل اصلی تعیین‌کننده تخصیص منابع مکانیزم تجریدی قیمت در بازار نیست بلکه نهادها و مخصوصا ساختار قدرت است که ساختار بازار را می‌سازد و اثربخشی آن را تعیین می‌کند.

ویژگی اصلی اقتصاد نهادگرایی

توجه خاص به عامل انسان: نهادگرایان معتقدند که عقل منبع محدودی است که با تخصیص ادراکی، نتایج را اقتصادی می‌کند و چون عقلگرایی محدود موجب توانایی ادراک محدود می‌شود، بنابراین، نهادگرایان بر درک بهتر ویژگی‌های کلیدی انسان از جمله نفع‌طلبی شخصی و فرصت‌طلبی (مخاطرات اخلاقی، طفره رفتن از تجم تعهد و...) تاکید می‌کنند. آنان همچنین عوامل نهادی مانند سنتها، آداب و رسوم، فرهنگ و مذهب را تحت عنوان قیود غیررسمی عواملی تاثیرگذار بر ادراک فرد می‌دانند. به عبارت دیگر، نهادگرایان با وارد کردن دانایی به درون تابع تولید، جایگاه انسان را در فرآیند تولید به انسانی‌ترین سطح خود در طول تاریخ بشر ارتقا داده‌اند. به این معنا که سهم توانایی فکری و عقلانی انسان در خلق ارزش افزوده جدید نشان می‌دهد. در چنین شرایطی طبیعی است که وزن و جایگاه عوامل غیراقتصادی موثر بر عملکرد اقتصادی نظیر عوامل فرهنگی، آداب و رسوم، عناصر اجتماعی و سیاسی افزایش چشمگیری پیدا می‌کند (مومنی، ۱۳۸۸).

توجه به قابلیت اجرا: مکتب نهادگرایی می‌خواهد نظریه‌ای را ارائه دهد که قابلیت اجرایی بالایی داشته باشد، بنابراین، از فروض انتزاعی و ایده‌آل مانند عقل ناب، حس خیرخواهی، هزینه معاملاتی صفر و مانند آن خودداری می‌کند و اگر به

علت وجود اطلاعات ناقص و به دنبال آن هزینه معاملاتی بر وجود دولت به عنوان نظام قانونی ضامن اجرای قراردادها تاکید دارد؛ به این معنی نیست که حتما دولت در اقتصاد کارا عمل می‌کند، بلکه به این دلیل است که امکان دارد نتوان هیچ شیوه دیگری را طراحی کرد که منفعت خالص حاصل شده را بیشتر کند (ویلیامسون، ۲۰۰۰). مهم‌ترین کانون نقد روش‌شناختی اقتصاد متعارف از سوی نهادگرایان به همین مساله برمی‌گردد و به این معنا است که فاصله پیدا کردن بنیانهای تئوریک اقتصاد متعارف با واقعیت‌های موجود، یکی از جنبه انتزاع بیش از حد این آموزه از واقعیت‌های موجود و دوم روند رو به پیچیدگی زیاد واقعیت‌های موجود، منشا نقدهای جدی شده است. در واقع نهادگرایی به عنوان یک بنیان نظری می‌خواهد که از یک سو از حداکثر ظرفیت‌ها و کارآمدهای اقتصاد مرسوم بهره‌بردار و از سوی دیگر، به صورت روشمند و نظام وار کاستی‌های آن را برطرف سازد (مومنی، ۱۳۸۸).

توجه به بنگاه و سازمان: در اینجا خود بنگاه مدنظر نیست، بلکه ساختار درونی بنگاه برای تحلیل‌ها مهم است. تاکید اقتصاد نهادگرا بر ساخت درونی بنگاه است که هدف و تاثیر اقتصادی دارد. این یک برداشت سازمانی است. توجه به انگیزشها و نقش دولت: نهادگرایان، دولت را محور اصلی شکل دادن به قواعد رسمی بازی اقتصادی میدانند و معتقدند که چگونگی شکل‌گیری این قواعد، شکل‌های متفاوتی از عملکرد بازاری را موجب می‌شود (مومنی، ۱۳۸۸). با وجود هزینه‌های معاملاتی، نقش دولت در برقراری نظم، تعدیل تضادها و افزایش منافع حاصل از مشارکت مورد تاکید نهادگرایان است. دولت‌ها به عنوان تعیین‌کنندگان حقوق مالکیت بر هزینه‌های معاملاتی تاثیر می‌گذارند و از این طریق انگیزش‌ها را تغییر داده و به آن‌ها مجدد شکل می‌دهند. بنابراین در حالی که نهادهای اقتصادی، عملکرد اقتصادی را تعیین می‌کنند اما خود به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تاثیر نهادهای سیاسی هستند. البته این به معنای آن نیست که دولت دانای کل و خیرخواه مطلق است (متوسلی، ۱۳۸۷). در شرایط نهادی حاکم بر اقتصاد ایران با تغییر دولت و یا مجلس، استراتژی‌های تدوین شده برای اقتصاد کشور دچار تحولات اساسی شده و تمام برنامه‌ها و خط مشی‌های تدوین شده تغییر می‌کند. بر این اساس در قوانین و مقررات مصلحت‌های سیاسی بر قواعد اقتصادی غلبه می‌کند و منجر به بی‌ثباتی می‌گردد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵).

تقابل رویکرد نهادگرایی قدیم و جدید

اقتصاد نهادگرایی قدیم یا اصلی به عنوان یکی از جذاب‌ترین جریان‌های اندیشه‌های اقتصادی معاصر تحت آرای اندیشمندانی مانند ویلن، کامونز و میچل و آیرس متبلور شد (اخباری، ۱۳۹۳). این نهادگرایان که دیدگاه انتقادی نسبت به اقتصاد نئوکلاسیک داشتند، نظرات مشترکی دارند که عبارتند از: تاکید بر عمل جمعی بیش از عمل فردی، بررسی تکاملی اقتصاد به جای بررسی‌های مکانیکی و در نهایت تاکید بر مشاهدات تجربی به جای استدلال‌های قیاسی (تلن و استینمو ۱۹۹۲). همچنین این اندیشمندان از منتقدان سرسخت فرض عقلانیت اقتصاد نئوکلاسیک بودند و به جای استفاده از ابزار کلاسیکی تحلیل مانند مطلوبیت و مطلوبیت نهایی بر نهادها به عنوان عامل اصلی شکل‌دهنده رفتار تاکید می‌کردند (دهقان و محنت‌فر، ۱۳۸۵). این رویکرد در دهه آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به تدریج گسترش یافت و به رویکردی مهم در اقتصاد تبدیل شد، اما با آغاز دهه ۱۹۴۰ رو به افول نهاد (مومنی و نیکونبستی، ۱۳۹۶).

ذکر این نکته حائز اهمیت است که تفکرات اصلی تبیین شده توسط اقتصاددانان نهادگرا در طی قرن گذشته هنوز از چنان اعتباری برخوردارند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت (هیرسچ، ۱۹۹۷). به علاوه تجدید حیات اخیر و حرکت رو به رشد و تا حدودی متفاوت از اقتصاد مرسوم، حاکی از آن است که اقتصاد نهادگرایی اصلی هنوز به عنوان یک رویکرد در حال تکامل، که جایگزین نظریه اقتصادی مرسوم تلقی می‌شود، ادامه حیات دارد. چرا که، در نیمه اول قرن بیستم، با کمال تعجب برخی از اقتصاددانان حوزه نهادگرایی اصلی دارای نفوذ هستند. با این وجود انتقادهایی در زمینه نهادگرایی

اصلی مطرح شد. رویکرد قدیمی باید به جای اینکه به حدس و گمانه‌زنی پرداخته و قادر به لحاظ کردن مدل‌های ریاضی و اقتصادسنجی نباشد، از تمامی ابزارهایی که اکنون اقتصادسنجی تجویز می‌کند، استفاده نماید (استانفیلد (۱۹۹۹)). لذا، می‌توان اینگونه استنباط نمود که اگر نهادگرایی اصلی نوسازی ابزارها و روش‌های نظری خود را توسعه دهد، اگر در مدل‌سازی و فرمول‌بندی پیشرفت نماید و اگر قادر به انجام پژوهش‌های کاربردی بیشتری باشد، آینده آن می‌تواند روشن باشد و این رویکرد بار دیگر برای اقتصاددانان جوان جذاب خواهد شد.

همزمان با انتقادات نسبت به اقتصاد نهادی قدیم به تدریج رویکرد نهادی دیگری گسترش یافت که بعدها به اقتصاد نهادگرایی جدید معروف شد. اولین بار اصطلاح اقتصاد نهادی جدید توسط ویلیامسون در سال ۱۹۷۵ مورد استفاده قرار گرفت. مهم‌ترین مساله‌ای که این مکتب را از اقتصاد نهادگرایی قدیم جدا می‌کند، همراهی اصلاح‌گرایانه آن با اقتصاد نئوکلاسیک است. نهادگرایان جدید سعی نمودند که با وارد نمودن نهادها در مدل‌های نئوکلاسیک بین این دو مکتب فکری، پیوند برقرار و ضعف نظریات نئوکلاسیک را برطرف نمایند (نایب، ۱۳۹۵). نورث (۱۹۹۰) استدلال می‌کند که اقتصاد نهادی جدید درصدد اصلاح و گسترش نظریه نئوکلاسیک است تا به آن اجازه دهد که طیف وسیعی از مسائل را که از نظرها مغفول مانده است، درک و رسیدگی کند.

یکی از تفاوت‌های عمده با مکتب نئوکلاسیک درباره فرضیه رفتاری انسان است. چرا که بیشتر رویکردهای نهادگرایان جدید بر محدودیت عقلانیت و نه عقلانیت کامل و فرصت‌طلبی به جای اعتماد کامل تاکید دارند (دیماجیو و پاول، ۱۹۹۱). در این خصوص، برگر و لاکمن (۱۹۶۷) بیان کردند که نهادگرایان جدید معتقدند که نهادها مهم هستند و با تجزیه و تحلیل چگونگی اهمیت آن‌ها، باید فرضیات عقلانیت جهانی و عقلانیت فردی را رد کرد. همچنین، مردم در جهانی اجتماعی زندگی می‌کنند که مملو از معانی و قواعد بدیهی است. در استفاده از این اصول برای مطالعه سازمان‌ها، نهادگرایان جدید تحت تأثیر ساختار سازمانی محیط اجتماعی قرار گرفته‌اند (نصراللهی آذر و همکاران، ۱۳۹۸).

نهادگرایان جدید، ضمن نقد نظریات نئوکلاسیک، سعی در توسعه و ارائه یک تئوری توسعه مبتنی بر سازمان و تغییر و تحول نهادی با هدف ارتقا و ترویج رشد اقتصادی نمودند. به عبارتی، نهادگرایان جدید را مجموعه متنوعی از منشعبین مکتب نئوکلاسیک تشکیل می‌دهند. لذا می‌توان گفت که در داخل اقتصاد نهادگرایی جدید، حداقل پنج شاخه فکری وجود دارد که هر یک بر جنبه‌های مهم اقتصاد نهادگرایی تاکید دارند که عبارتند از: اقتصاد هزینه مبادله، اقتصاد اطلاعات ناکامل، اقتصاد حقوق مالکیت، تئوری اقدام دسته جمعی و تکامل تدریجی قوانین و هنجارها (والتر و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین، ماتیوس (۱۹۸۶) بر این موضوع تاکید داشتند که اقتصاد نهادگرایی جدید بر اساس دو قضیه استوار هستند. اول اینکه نهادها بسیار مهم هستند و دوم اینکه عوامل تعیین‌کننده و سازه‌های نهادها به وسیله ابزار نظریه اقتصادی قابل تحلیل‌اند. مورد دوم اقتصاد نهادگرایی جدید را از سایر دیدگاه‌های نهادی متمایز می‌سازد و البته تمامی اقتصاددانان نهادگرایی جدید و قدیم در این ایده که نهادها با اهمیتند، توافق دارند.

اقتصاد نهادی جدید بر مبنای مقولات فوق‌الذکر رفتارهای منفعت‌محوری و حداکثرسازی منافع فردی را امری مفروض تلقی می‌کند؛ زیرا بشر را به عنوان انتخابگر عقلانی می‌شناسد، اگر چه این مسئله از سوی ویلن و سایر نهادگرایان قدیم رد شده بود زیرا آنها انسان را محصول فرهنگ قلمداد می‌کنند. می‌توان گفت که اصل انتخابگر عقلانی مبنای بسیاری از رویکردهای نهادگرایی جدید در حوزه توسعه است. یکی از نقدهای جدی وارد بر آن با همین اصل مرتبط است، زیرا این مکتب در همگرا کردن مناسب تعدیل‌های مطلوب خود بر مفروض عقلانیت از یک سو و رگه‌های نئوکلاسیکی بنیادیش از سوی دیگر شکست خورده است. در واقع علیرغم تأکید نهادگرایی جدید بر قدرت محاسباتی محدود افراد، روانشناسی شناختی و تأثیر هنجارهای اجتماعی یعنی همه چیزهایی که منجر به رفتارهای قاعده‌مند می‌گردد، همچنان در توصیف فعالیت‌های افراد و کارآفرینان بر مبنای بیشینه کردن منافعشان اصرار می‌ورزد. استفاده از فرضیه بیشینه

کردن نتایج روشنی دربردارد اما اگر افراد محدودیت‌های شناختی داشته باشند و یا از طریق پذیرش هنجارهای اجتماعی رفتار، جامعه‌پذیر شده باشند آنها دیگر نمی‌توانند بیشینه‌کننده سستی نئوکلاسیکی باشند (راترفورد، ۱۳۳۳). از این رو کشمکش حل ناشده‌ای میان این دو عنصر از رویکرد نهادگرایی جدید وجود دارد. یعنی میان مفروض عقلانیت مطلق (در نظریه نئوکلاسیک) و مفروض عقلانیت محدود. اقتصاد نهادی جدید کلیت روابط اجتماعی را به سطح روابط مبادله‌ای قراردادی میان افراد که تحت حاکمیت قانون کلی کاهش هزینه مبادالت هستند، تقلیل می‌دهد. از این منظر همه افراد تلاش میکنند بدون توجه به جایگاه اجتماعی‌شان هزینه مبادلات را کاهش دهند. به علاوه این نظریه بیش از حد بر حقوق مالکیت فردی تمرکز می‌کند و بر حقوق مشارکت دموکراتیک از یک سو و نهادهایی که به شکست‌های هماهنگی می‌پردازند تمرکز کافی ندارد (وویت، ۲۰۱۳).

شواهد پیشین موید این مطلب است که تفاوت‌های مشهودی بین نهادگرایان قدیم و جدید وجود دارد. نهادگرایان قدیم و جدید بر نقش نهادها در زندگی اقتصادی تاکید دارند. نهادگرایان قدیم در تاکید بر انسان معقول اقتصادی را رها کرده‌اند و در مقابل به بررسی رفتار اقتصادی در فضایی فرهنگی روی آورده‌اند. از طرفی نهادگرایی جدید مکتب نئوکلاسیک را رها کرده و درصدد تعدیل و اصلاح آن برآمدند (جرگیس، ۲۰۱۸). همچنین، در حالی که ولبن و آبرز از نهادگرایان قدیم هستند، به این نتیجه رسیدند که کیفیت نهادها در ایجاد مانع برای پیشرفت تکنولوژیکی یا تسریع در انتشار آن نقش مهمی دارند. آن‌ها معتقدند نهادها، نوعی از روابط اجتماعی را برقرار می‌کنند که در تطبیق تکنولوژی جدید و جلوگیری از اثرات مخرب تکنولوژی و بازارها نقش مهمی ایفا می‌کنند. اما، نهادگرایان جدید، ظهور نهادهای پویا را از طریق مکانیزم دست نامرئی بازار تشریح می‌کنند. آن‌ها معتقدند اگر چه ممکن است موقتا برخی نهادها درست کار نکنند و یا کهنه شوند، اما در نهایت، نهادها بصورت مطلوبی سازماندهی می‌شوند. یکی دیگر از تفاوت‌ها این مورد می‌باشد که ویژگی مشترک دو مکتب تاکید آن‌ها بر اهمیت نهادها به عنوان عامل کلیدی در تحلیل‌های اقتصادی است. تعریف کارکردی نهادها در هر دو مکتب نهادها را به مثابه چارچوب و محدودیت‌هایی رفتاری انسان تعریف می‌کنند. یعنی قیودی هستند که رفتار انسان‌ها را شکل می‌دهند. در اقتصاد نئوکلاسیک، هدف حداقل کردن هزینه در یک چارچوب داده شده است. از نظر مکتب نهادگرایان جدید، حداقل کردن هزینه و ارتقا کارایی اقتصادی را می‌توان با تغییر نهادها انجام داد. اما اقتصاددانان نهادگرایی قدیمی فراتر از اقتصاد نئوکلاسیک پیش می‌روند و با بررسی ساختار اساسی حقوق مالکیت به این موضوع می‌پردازند که هزینه چه کسانی را در محاسبات اقتصادی باید در نظر گرفت.

نهادگرایی در پرتو ایدئولوژی

ایدئولوژی به نحو اجتناب‌ناپذیری با قضاوت در مورد عادلانه بودن جهانی که کنشگران آن را درک می‌کنند، پیوند خورده است و این امر ما را در درک بهتر رفتار کنشگران یاری می‌دهد؛ در واقع باورهای ایدئولوژیک، جهت‌دهنده کنش‌های انسانی است. ایدئولوژی دارای این توان بالقوه است که با غلبه بر سواری مجانی، کنشگران را جهت مشارکت در کارهای گروهی بزرگ که هزینه‌های خصوصی آن به مراتب بیشتر از منافع خصوصی است، بسیج کند. پایبندی کنشگران به باورهای ایدئولوژیک و عمل بر اساس آن و درونی شدن هنجارهای اخلاقی و ارزشی منتج به اعتماد متقابل کنشگران که یک سرمایه عظیم اجتماعی است، خواهد شد. اگر ایدئولوژی مسلط که دولت پشتیبان آن است؛ برای القای این فکر در مردم تدوین شده باشد که عدالت با قواعد موجود همسو است، هدف ایدئولوژی‌های متقابل این خواهد بود که مردم را متقاعد کنند که نه تنها بی‌عدالتی‌های مشاهده شده جزو لاینفک نظام موجودند، بلکه ایجاد یک نظام عادلانه فقط با مشارکت فعالانه افراد در تغییر نظام موجود میسر خواهد شد. بنابراین ایدئولوژی نقشی مهم در تغییر و تحول نهادی دارد (نورث، ۱۹۹۰).

موضوعات جالب توجه در بازارهای سیاسی و اقتصادی، عدم اطمینان و انتخاب گزینه‌های مختلف است. در شرایط عدم اطمینان، تفسیر افراد از محیط خود یادگیری آن‌ها را نشان می‌دهد. افرادی با پیشینه و تجربیات فرهنگی مشترک، مدل‌های ذهنی، ایدئولوژی‌ها و نهادهای منطقی همگونی را به اشتراک می‌گذارند. انسان‌ها به منظور کاهش عدم اطمینان و پیچیدگی تصمیم‌گیری فردی درصدد توسعه قوانین و روال‌ها هستند تا مطابق با آن عمل کنند. قوانین رسمی بخش مهمی از چارچوب نهادی است و برای عملکرد موثر باید محدودیت‌های غیررسمی (نظیرهنجارهای رفتاری) تکمیل شوند و هزینه‌های اجرایی را کاهش دهند. اگر قوانین رسمی و محدودیت‌های غیررسمی با یکدیگر ناسازگار باشند، تنش ناشی از آن بی‌ثباتی سیاسی را القا می‌کند. لذا، اگر افراد بدانند که تصمیمی به نفع آنها بوده است، این الگو به بخشی از رفتار معمول آنها تبدیل خواهد شد و تصمیماتی که تأثیر نامطلوبی بر هدف آنها دارند، تکرار نخواهند شد. فرآیند یادگیری منجر به مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری موفق می‌شود که به عنوان قوانین درونی تصمیم‌گیری عمل می‌کنند. این قوانین یا روال‌های داخلی عدم اطمینان، هزینه معاملات و در نتیجه هزینه‌های تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهند. آنها به عنوان مدل ذهنی یک فرد، در یک محیط پیچیده جهت‌گیری می‌کنند (دایرک، ۲۰۱۵). ایدئولوژی‌ها و نهادها بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند. در مقایسه با نهادهای غیررسمی و رسمی، ایدئولوژی‌ها قاعده بازی نیستند بلکه مطابق با رویکرد هنجاری می‌توانند ایده‌هایی در مورد چگونگی ساختار بازی باشند (دنزاو و نورث، ۱۹۹۴). یک ایدئولوژی به عنوان یک مجموعه‌ای از ایده‌ها و اعتقادات در مورد ساختار جهان و به عنوان مدل ذهنی مثبت بر عمل و نتیجه ارزشمند متمرکز است. از این نظر، ایدئولوژی افراد در یک جامعه نهادها را قادر می‌سازد تا الگوهای رفتاری سازگار را انتخاب کنند (دایرک، ۲۰۱۵).

چرا که بحث در نهادگرایی‌های جدید، هنگامی که پدیده ایدئولوژی در تحلیل‌های آنها وارد شود، پیچیده‌تر می‌شود. بر اساس همه نهادگرایی‌ها، نهادها و ایدئولوژی‌ها را عموماً به عنوان وسیله‌ای می‌بینند که به ساختار تعامل انسان کمک می‌کنند و در نتیجه از عدم اطمینان و پیچیدگی می‌کاهند. ایدئولوژی‌ها و نهادها که توسط گروهی از مردم مشترک هستند باعث ایجاد اعتماد در بین اعضای گروه می‌شوند. نهادها وظایفی را در زمینه‌های سیاسی، سازمانی یا اقتصادی تعیین می‌کنند و به موجب آنها قدرت را تخصیص می‌دهند. همچنین، ایدئولوژی‌های غالب یک ساختار منطقی برای نهادهایی است که توسط گروهی مشترک به اشتراک گذاشته می‌شوند (بری و همکاران، ۱۹۹۸). در همین راستا، ایدئولوژی‌ها می‌توانند محرک تغییر نهادی باشند؛ رشد و تغییر ایدئولوژی‌ها می‌تواند منجر به انطباق نهادها با ایدئولوژی غالب جدید شود (وگل، ۲۰۰۹).

نهادگرایی جدید در پیشبرد حسابداری اجتماعی و زیست‌محیطی

تئوری نهادگرایی جدید می‌تواند درک عمومی نسبت به واکنش سازمان به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی را افزایش دهد. به عبارتی، نهادگرایی مذکور سبب تحول سازمانی و حسابداری یک سازمان می‌شود (بال و کریچ، ۲۰۱۰). تغییرات حسابداری با کمک به نهادها زمینه را برای دستیابی به آینده پایدار و افزایش مشروعیت فراهم می‌کند (الیور، ۱۹۹۲ و لانسبری، ۱۹۹۷ و دیلارد، ۲۰۰۴). علی‌رغم بینش نظریه‌پردازان نهادی و پتانسیل‌های تئوری نهادی، تحقیقات حسابداری اجتماعی و زیست‌محیطی در سطح نهادی متناقض بوده است. این احتمال مطرح می‌شود که چنین مسئولیتی فراتر از توان گروه بزرگی از محققان می‌باشد، زیرا به حساب‌های جدید احتیاج دارد (گری، ۲۰۰۲). از این رو، لانسبری (۱۹۹۱) استدلال می‌کنند که تئوری نهادی می‌تواند به طور مفید در تحقیقات حسابداری اجتماعی و محیطی مورد استناد قرار گیرد. دولت‌ها به عنوان نهادهای سیاسی و متولی محیط زیست به توسعه حسابداری اجتماعی و زیست‌محیطی کمک شایانی می‌کنند لوئیس (۲۰۰۰). لانسبری (۲۰۰۸) با تمرکز بر رویکردهای نهادی می‌توان ایده‌هایی را در مورد

تغییرات اجتماعی و عملکرد حسابداری تنظیم و مقدماتی را برای درک کامل از تغییرات محیط و حسابداری پیشنهاد نمود. به نظر می رسد که مجموعه ابزارهای سازمانی به توسعه یک تئوری فراتر برای حسابداری اجتماعی کمک کند. لانسبری (۱۹۹۷) یک ماتریس دو بعدی را برای توضیح رویکردهای نهادی معرفی می کند. این دو بعد تئوری عمل و سطح تبیین است، همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده است. تئوری عمل ناشی از عادت‌ها (عرف‌ها) / روال‌ها (جریان عادی) یا منافع / ارزش‌ها تصور می شوند. سطح تبیین می تواند کلان یا خرد باشد.

جدول (۱): رویکردهای نهادی

| تئوری در عمل (عملکرد و اقدامات) | سطح تبیین | |
|---------------------------------|--------------|----------------|
| | خرد | کلان |
| عادات / روال | تعامل گرایی | سیستم فرهنگی |
| منافع / ارزش | کار و سازمان | سازمان اجتماعی |

مطابق با تئوری‌های عمل، نظریه نهادی بر مشروعیت و تمایل به ساختارها و رویه‌های سازمانی نهادینه شده که امری بدیهی و توسط سازمان‌ها، قانونی تلقی می شود، تأکید دارد. سازمان‌ها اغلب انواع روش‌ها، فرآیندها و قوانین منطقی (از جمله سیستم‌های رسمی حسابداری) را در ساختار رسمی خود گنجانده‌اند. آنها به مشروعیت بخشیدن به سازمان کمک می کنند. همچنین، سازمان‌هایی که در این زمینه فرهنگی فعالیت می کنند، مشروعیت بیشتری کسب خواهند کرد. مشروعیت را می توان به عنوان عادت یا روال در یک سر طیف نظریه عمل در نظر گرفت. برگر و لاکمن (۱۹۶۷) بیان می کنند که بسیاری از اقدامات افراد عمدی و آگاهانه نیست، زیرا این عمل ناخودآگاه و به صورت عادت انجام می شود. در سر دیگر طیف رویکردهایی قرار دارد که توضیح آنها بر اساس ارزش‌ها و منافع است. همچنین بر اساس سطوح تبیین نشان دهنده تأکید متفاوت در رویکردهای تحقیق بر توضیحات و تفسیرهای خرد و کلان است. توضیحات خرد بر تغییرات نهادی بر اساس تعاملات بین افراد یا سازمان‌ها متمرکز هستند. متناوباً، توضیحات ممکن است بر این نکته متمرکز شود که چگونه عوامل کلان ساختاری مانند رفتار جمعی، سطوح مختلف جامعه، سازمان اجتماعی، سیستم‌های فرهنگی و دولت عوامل کلیدی‌ای هستند که باعث ایجاد تغییرات نهادی می شوند (لانسبری، ۱۹۹۷). ذکر این نکته حائز اهمیت است که سطح تحلیل خرد همچنین اندیشمندان نهادگرا را از مطالعه نهادهای فراملی غافل کرده است به همین دلیل کاربرد اقتصاد نهادی جدید در سطح خرد به مسائل سازمان صنعتی و در سطح کلان به تاریخ اقتصادی و توسعه محدود مانده است. با این حال، سیاست و اقتصاد به لحاظ ملی و بین‌المللی در پیوند تنگاتنگی با هم قرار دارند، دیدگاهی که علیرغم کار بوچانان، اولسون و نورث، هنوز به طور گسترده‌ای از سوی اقتصاددانان نهادگرا مورد بی توجهی قرار می گیرد (ریشر، ۲۰۰۵).

از نظر جامعه جهانی فرض بر این است که چارچوب بزرگتر همان چیزی است که به نهادها موقعیت بازیگری می بخشد و منافع موجود را برای آنها مشخص می کند. تاکنون تلاش برای نظریه پردازی حسابداری اجتماعی و محیطی بر تبیین خرد و ارتباط سازمان / جامعه متمرکز بوده است (آدامز و لاریناگا-گونزالس، ۲۰۰۷). در ادامه پتانسیل مجموعه رویکردهای نهادی برای توضیح دیدگاه‌های مختلف نهادها و تغییر را برجسته می شود. با وجود جهانی شدن بازارها و نیاز به ارائه کالاهای بین‌المللی (مانند حفظ محیط زیست، جلوگیری از بیماری‌ها، جریان کالاها و خدمات و ثبات مالی جهانی)، نهادهای کافی در سطح جهانی برای روبروشدن با این مسائل وجود ندارد (رولاند، ۲۰۰۴). این مساله قابل تأمل است که چگونه سازمان‌ها به یک دستورالعمل زیست محیطی پاسخ می دهند و حسابداری زیست محیطی خود را توسعه می دهند.

در سازمان اجتماعی، توضیح سطح کلان درباره نحوه عمل به وسیله ارزش‌ها و منافع مورد بررسی قرار می گیرد. از نظر سازمان اجتماعی به عنوان یک مساله متمرکز بر چگونگی ساخت سیستم‌های اجتماعی در مقیاس بزرگ و سپس شکل گیری عملکرد آینده در آن سیستمها می باشد. یک رویکرد سازمان اجتماعی به این معنی است که چگونه تغییرات

فعلی در دولت، در پاسخ به یک برنامه پایداری، تغییرات ماتریس عوامل ساختاری کلان گسترده تر را منعکس می‌کند. تفکر اکولوژیکی فرایندهای تغییر در مدیریت پسماند، بازیافت و حفاظت از مناطق طبیعی در شهر را هدایت می‌کند. علی‌رغم ارزش‌های جامعه در مورد مادیات مانند رونق اقتصادی، تجارت و رشد، تغییر ایجاد شد. یک بحران سیاسی (دفن زباله) در ارتقا ارزش‌های زیست محیطی و امکان‌پذیر کردن راه‌حل‌های جایگزین مدیریت پسماند بسیار مهم بود. با این حال، مقابله با ارزش‌ها و منافع مسلط اقتصادی و انسانی دشوار است. به صورت کلی، این بعد نشان می‌دهد که چگونه ادبیات حسابداری اجتماعی و زیست محیطی، فشارهای اجتماعی را کم اهمیت می‌داند. پژوهشگران باید توجه بیشتری به منافع، عقاید و فعالیت‌های مدیران در سازمان‌های تحت نظارت داشته باشند.

در بعد کار و سازمان، تبیین سطح خرد درباره چگونگی اقدام توسط ارزش‌ها و منافع مورد کنکاش قرار می‌گیرد. لانسبری (۱۹۹۷) این بعد را با سنت قوم‌نگاری در جامعه‌شناسی سازمانی مرتبط می‌داند و بر تبیین مبتنی بر ارزش‌ها و منافع می‌باشد. با این حال، هدف این است که به جای نگاه به مقیاس کلان سیستم‌های اجتماعی، فعالیت‌های کوچک‌تر در داخل سازمان‌ها یا بین یک سازمان و محیط اطراف آن در نظر گرفته می‌شود. این دیدگاه به دنبال ارزش‌های اجتماعی و سازماندهی عملکردها در سطح خرد است.

از منظر تعامل‌گرایی، تبیین سطح خرد درباره چگونگی عملکرد توسط عادت‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد. علاقه اصلی به چگونگی ایجاد نهادها به صورت خرد پرداخته و امری مسلم است. اگرچه این رویکرد تحولات گسترده در یک سیستم فرهنگی را تأیید می‌کند، اما هدف اصلی این است که از لنز همگرایی ظاهری تغییرات در تولید و عادات را بسط داده شود. دی (۲۰۰۲) تشخیص می‌دهد که بسیاری از شیوه‌های تجاری از جمله تجارت عادلانه و گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در داخل سازمان ایجاد شده است و متعاقباً توسط سایر سازمان‌ها انجام می‌شوند. لوئیس (۲۰۰۰) و تلفورد (۲۰۰۲) از افزایش روزافزون حسابداری زیست‌محیطی توسط مقامات دولتی در انگلیس خبر دادند. بنابراین، از طریق لنز خرد/عادات، حسابداری محیطی به عنوان یک عمل انجام شده ظاهر می‌شود. با این حال، تنوع در میزان به کارگیری و توسعه حسابداری محیطی و میزان تصدیق و صرفاً تشریفاتی بودن آن نیز قابل توضیح است. از منظر دستورالعمل‌های هنجاری در مورد حسابداری و تغییر محیط، لنزهای خرد / عادات نشان می‌دهد که توجه به چگونگی تمایل سازمان برای پایداری از طریق ارائه خدمات جدید و شیوه‌های حسابداری معطوف گردد (تاوانلی، ۲۰۰۲). بنابراین، کسانی که در تلاش برای توسعه تحقیقات حسابداری اجتماعی و محیطی هستند، باید خودشان پایداری و آنچه را که شامل می‌شود، چه از نظر مفهومی و چه از نظر عملی، بهتر درک کنند.

سیستم فرهنگی به تبیین سطح کلان درباره چگونگی اقدام توسط عادت‌ها می‌پردازد. توجه به تبیین در سطح کلان در مورد اقداماتی را که توسط عادت و روال مشخص می‌شوند، جلب می‌کند (لانسبری، ۱۹۹۷). همچنین این بعد درکی از رویکرد نهادگرایی جدید را منعکس می‌کند. رویکردها و مطالعات در این زمینه مبتنی بر سیستم‌های دانش گسترده‌تر مانند فرهنگ، آیین و مراسم و چارچوب‌های سطح بالاتر که واقعیت زندگی سازمانی را شکل می‌دهند، تأکید دارند. این لنز سیستم‌های فرهنگی به شناسایی تغییرات مبتنی بر تمایزهای سیاسی- فرهنگی کمک می‌کند. دولت‌ها با سیاست فردگرایانه در مورد توسعه حسابداری محیطی، منفعلانه عمل می‌کنند.

مبانی تجربی پژوهش

پژوهشگران متعددی با کنکاش موضوع نهادگرایی به اهمیت آن صحنه گذاشتند. بطور مثال، یوسفی (۱۳۹۲) در مطالعه خود بیان کردند که بین مکاتب فکری نهادگرایی و اتریشی، همگرایی و مشابهت روزافزونی وجود دارد اما هر دوی این

مکاتب هم در اصول و هم در روش‌ها و مفاهیم با مکتب نئوکلاسیک اختلاف بنیادی و حتی در تضاد قرار دارند. هر دو مکتب اتریشی و نهادگرایی از مفاهیمی مشابه استفاده می‌کنند. آن‌ها تحلیل تعادل ایستا را مردود می‌دانند و بر فرایند رقابتی تاکید می‌کنند. انسان منفعل و بی هدف و ایزوله در نظریات نئوکلاسیک، جای خود را به افراد فعال، هدفمند و اجتماعی در این مکاتب فکری می‌دهد که در بستر نهادها رفتار می‌کند. نتیجه مطالعات نشان می‌دهد مکاتب فکری اتریشی و نهادگرایی تصویر بهتر و واقع‌بینانه‌تری از بازار ارائه می‌نمایند. همچنین، اخباری (۱۳۹۳) در مطالعات خود به این نتیجه رسید که تفکرات اصلی تبیین شده توسط اقتصاددانان نهادگرا در طی قرن گذشته هنوز از چنان اعتباری برخوردارند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. به علاوه تجدید حیات اخیر و قدرتمند اقتصاد نهادگرایی جدید و حرکت رو به رشد و تا حدودی متفاوت آن از اقتصاد مرسوم، حاکی از آن است که اقتصاد نهادگرایی اصلی هنوز به عنوان یک انگاره در حال تکامل، که جایگزین نظریه اقتصادی مرسوم تلقی می‌شود، ادامه حیات دارد.

یافته‌های به دست آمده توسط نایب (۱۳۹۵) حاکی از آن است که سه جنبه بااهمیت در هر دستگاه نظری، یعنی واحد تحلیل، نحوه تبیین، و مبنای داوری وجود دارد و ادعا دارد که دستگاه نظری نهادگرایی جدید در این حوزه‌ها در مقایسه با نظریه‌های رقیب همچون نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید کارآمدی‌های درخور توجهی دارد. قابلیت عینیت‌پذیری واحد تحلیل و تطابق آن با واقعیت‌های بیرونی، توانمندی بیان علیت در عملکرد اقتصادی مبتنی بر اصول منطق استنتاجی، و آزمون‌پذیری نظریه‌ها در حکم نتیجه عینیت‌پذیری از جمله این موارد است. افزون بر این، شجاعی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان دادند که اگر چه در سطح انفرادی، فرآیند تغییر عمدتاً نیازمند تفسیر و یکپارچه‌سازی رویه‌های جدید است؛ در سطح سازمانی این امر نیازمند رمزگشایی، اعمال و تولید مجدد چنین رویه‌هایی با توجه به زمینه نهادگرایی در درون هر سازمان است. برای اطمینان از نهادینه شدن چنین رویه‌هایی در سطح زمینه، فرآیندی از تئوری‌سازی و تجزیه کردن بایستی دنبال شود. علاوه بر این، نتایج مطالعات مومنی و همکاران (۱۳۹۹) حاکی از آن است که بین نشانه‌شناسی و رهیافت نهادگرایی به توسعه از چند طریق پیوند برقرار است؛ نخست اینکه، بازار امری قراردادی و متأثر از ترجیحات و ارزش‌های افراد است. دوم اینکه دولت نهادی است که قابلیت تحلیل نشانه‌شناختی دارد. سوم اینکه چگونگی مصرف و میزان ارزش کالاها به نحوه استفاده آن‌ها از نشانه‌ها بستگی دارد. چهارم اینکه تولید یک رفتار نشانه‌شناختی است. پنجم اینکه رفتار عقلایی کنشگران یک معنای منطقی و نشانه‌شناختی دارند. ششم اینکه نظام ارزشی و هنجاری شکل‌دهنده رفتار افراد موضوع نشانه‌شناسی فرهنگی را پیش می‌کشد.

متعاقباً، پژوهشگران خارجی نیز با نظر به اهمیت مبحث نهادگرایی در سازمان‌ها به این موضوع پرداخته‌اند. بطور مثال، اکشتاین (۱۹۷۹) در پژوهش خود دریافت که دولت مهمترین جایگاه در رویکرد نهادگرایی دارد. هتچیسون (۱۹۸۴) استدلال می‌کند که فشارهای نهادی از طریق دولت و مشاغل مدرن بر سازمان و سیاست شرکت‌های انتفاعی تأثیر می‌گذارد. افزون بر این، لانسبری (۱۹۹۱) استدلال می‌کنند که تئوری نهادی می‌تواند به طور مفید در تحقیقات حسابداری اجتماعی و محیطی مورد استناد قرار گیرد. همچنین، گریف و همکاران (۱۹۹۴) بیان می‌دارند که نهادگرایان بر اهمیت ارزش‌های اجتماعی در تعیین روابط فردی در بازار تاکید دارند. به عقیده آنان تعیین‌کننده واقعی تخصیص منابع در هر جامعه‌ای، ساختار سازمانی آن جامعه و نهادهای جامعه است.

لاندز (۱۹۹۶) بیان کردند که نهادها می‌توانند نقش مهمی در کاهش هزینه‌های معامله، عدم اطمینان بازار، هزینه‌های اطلاعات و همچنین در کمک به نظارت و اجرای قراردادها داشته باشند. بارنت و کارول (۱۹۹۵) استدلال می‌کنند که تئوری نهادگرایی چارچوبی برای فرآیند تغییر انطباقی مطرح می‌کند که تأثیر عوامل محیط بیرونی و شرایط بازار بر توسعه و تغییر سازمانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. کاروترز (۱۹۹۵) در پژوهش خود دریافتند که نهادگرایی جدید تحولی جدید در نظریه سازمان است که ارتباط زیادی با تحقیقات حسابداری دارد. نهادگرایان جدید رویه‌های حسابداری را به عنوان

یکی از مجموعه وسیع‌تری از ویژگی‌ها می‌دانند که می‌تواند از طریق ساختن عقلانیت و کارایی سازمان‌ها را قانونی جلوه دهد. پابندی تشریفاتی به هنجارهای مشروع ممکن است تأثیر اساسی کمی داشته باشد زیرا ساختار رسمی سازمان از فرآیندهای واقعی سازمان جدا شده است.

اودریسکوت و ریزو (۱۹۹۶) اذعان داشتند که عمل انسان در جامعه یک کنش متقابل است. نهادها به عنوان نقشه راهی در شناسایی اقدامات آتی انبوه کنشگران ناشناخته دیگر عمل می‌کنند. آنها با ساختن دنیای اجتماعی مطمئن‌تر از نااطمینانی‌هایی که شخص در عمل با آنها مواجه است، می‌کاهند.

کلین (۱۹۹۷) در پژوهش خود اذعان داشت که تفکر نهادگرایی نقش مهمی بر میزان رشد سازمان‌ها دارند. همچنین، میزان رشد و توسعه یافتگی کشورها به درجه کنترل ریسک‌ها و مخاطرات تجاری به نهادها بستگی دارد. میلان و پاتریک (۱۹۹۷) در پژوهش با مطالعه حرفه‌ای شدن حسابداران در محیط نهادی بیان کردند که نهادگرایی با مشروعیت بخشیدن به حرفه حسابداری سبب رشد و توسعه آن می‌شود. اگر تسون (۱۹۹۷) در پژوهشی با بررسی تئوری قدیمی سیاست اقتصادی و نهادگرایی جدید به این مهم دست یافتند که تأکید اخیر بر نهادها در اقتصاد ابعاد سیاست جدیدی را برای نظریه قدیمی سیاست اقتصادی که از انقلاب کینزی نشأت گرفته، نشان می‌دهد. همچنین نتایج گویای این مطلب است که بازیگران دولتی و خصوصی هر دو به نهادگرایی جدید تمایل پیدا کردند. کامپل (۱۹۹۷) بیان می‌کند که نهاد، نظام سازمان یافته روابط اجتماعی است که متضمن ارزش‌ها و رویه‌های عمومی معین است و نیازهای معینی از جامعه را برآورده می‌سازد.

سواز (۱۹۹۸) در پژوهش خود عنوان کردند که نهادها هستند که عملکرد یک اقتصاد را سازمان‌دهی و هدایت می‌کنند و این چیزی است که اهمیت اقتصاد نهادگرایی جدید را برای اقتصاددانان روشن می‌کند. نورث (۱۹۹۸) معتقد است که نهادها به رغم محدودیت‌هایی که ایجاد می‌کنند می‌توانند با کاهش نااطمینانی، هزینه‌های مبادله را کاهش دهند. استانفیلد (۱۹۹۹) خاطر نشان می‌کند که رویکرد قدیمی باید به جای اینکه به حدس و گمانه‌زنی پرداخته و قادر به لحاظ کردن مدل‌های ریاضی و اقتصادسنجی نباشد، از تمامی ابزارهایی که اکنون اقتصادسنجی تجویز می‌کند، استفاده نماید. هاجسون (۱۹۹۹) معتقدند که نهادگرایی اصلی بیشتر بر روی توسعه ابزارهای نظری به جای تأکید بر برداشت‌های تازه از مفاهیمی که توسط بنیان‌گذاران اقتصاد نهادگرا ساخته شده‌اند، متمرکزند. همچنین، هیکو (۱۹۹۹) معتقد است که نهادگرایان جدید خواهان افزایش حضور مؤثر دولت جهت شکل‌دهی و حمایت از نهادهای اجتماعی و اقتصادی می‌باشند. برنس و اسکاپنس (۲۰۰۰) بر این باورند که تغییر در حسابداری مدیریت را در تغییر قوانین و روال‌ها مفهوم‌سازی کردند. همچنین بیان کردند که در تئوری اقتصاد نهادگرایی سنتی حسابداری مدیریت به عنوان یک اقدام سازمانی روال‌مند و بالقوه نهادینه شده محسوب می‌شود. ویلیامسون (۲۰۰۰) در پژوهش خود بیان کرد که مکتب نهادگرایی جدید با بیان دلیل وجود نهادها و نقش آنها در جوامع به ساموئلز (۲۰۰۰) بر این باور است که رویکرد نهادگرایی قدیم اگر چه از رونق برخوردار نیست اما زنده است. موریس (۲۰۰۱) معتقد است که دولت‌ها به عنوان نهادهای سیاسی و متولی محیط زیست به توسعه حسابداری اجتماعی و زیست‌محیطی کمک شایانی می‌کنند. نتایج دایر میر و کرهیل (۲۰۰۳) بیانگر آن است که تعریفی از نهادگرایی و یک گزارش شماتیک ارائه می‌شود که بین نظریه‌های نهادی (که در آن موسسات برون‌زا هستند) و تئوری‌های نهادها، که برخی (نه لزوماً همه) نهادها درون‌زا هستند، تفاوت قائل می‌شود. همچنین مطابق با نتایج، نهادگرایی در متن معاصر بهتر به عنوان یک روش شناخته می‌شود. مضافاً، نهادگرایی پیش فرض یک مفهوم رفتاری محسوب می‌شود.

دیلارد (۲۰۰۴) در پژوهش خود دریافت که نهادگرایی با تغییرات حسابداری، زمینه را برای دستیابی به آینده پایدار و افزایش مشروعیت فراهم می‌کند. نتایج مطالعات اشمیت (۲۰۰۸) بیانگر آن است که در نهادگرایی استدلالی بر نقش

ایده‌ها متمرکز است و این نوع رویکرد نهادگرایی سبب ادغام سایر رویکردهای نهادگرایی می‌شود. وگل (۲۰۰۹) بیان می‌کند که ایدئولوژی‌ها بخشی غیرقابل مشاهده و ایده‌آل از نظم نهادی هستند که بر عملکرد نهادها اثرگذار است. همچنین، رشد ایدئولوژی‌ها به عنوان محرک تغییر نهادی باشند می‌تواند منجر به انطباق نهادها با ایدئولوژی غالب جدید شود. جمیز (۲۰۰۹) در پژوهش خود نشان دادند که نهادگرایی به توسعه سیستم مدیریت و سیستم حسابداری در بخش عمومی کمک می‌کند. همچنین با تکیه بر نهادگرایی از رفتارهای نامتعارف جلوگیری می‌شود.

جونز و جاکس (۲۰۰۹) در پژوهشی تحت عنوان مدیریت عمومی جدید و نهادگرایی به این نتیجه رسیدند که نهادگرایی با تکیه بر اصول مدیریت عمومی نقش بسزایی در اصلاحات بخش عمومی دارند. یافته‌های به دست آمده توسط بال و کریج (۲۰۱۰) موید آن است که نظریه نهادگرایی جدید می‌تواند درک عمومی از واکنش سازمان به مسائل اجتماعی و زیست محیطی و فعالیت اجتماعی را افزایش دهد. همچنین، امکاناتی را برای نظریه‌های بهتر و کامل‌تر تحول سازمانی و حسابداری اجتماعی و محیطی برجسته می‌کند. بر اهمیت ارزش‌های اخلاقی و تفکر اکولوژیکی به منظور تغییر حسابداری برای دستیابی به آینده پایدار مناسب تاکید شد. هوکیو و آلام (۲۰۱۲) در پژوهش خود بیان کردند که رویکرد نهادگرایی در پیاده‌سازی مدیریت کیفیت جامع و تغییرات سیستم‌های حسابداری مدیریت نقش مهمی را ایفا می‌کنند. همچنین اقدامات مدیریت کیفیت جامع برای ارتقا فرهنگ نهادی در نظر گرفته می‌شود. همچنین، ژوک (۲۰۱۲) معتقد است که نهادگرایی بر تئوری و عملکرد حسابداری اثر مثبت دارد.

نتایج مطالعات والتر و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از آن است که نهادگرایی جدید در جامعه شناسی و تحقیقات سازمانی سبب توجه به رابطه بین ساختار اجتماعی و سازمانها دارند. در این چارچوب، محققان بر نهادها (به عنوان مثال روابط حقوقی خاص یا منابع در برابر فرهنگ گسترده‌تر)، استدلال‌های علی (به عنوان مثال از بالا به پایین در مقابل پایین به بالا) و ویژگی سازمانها (به عنوان مثال ساختارها در مقابل عملکردها و رفتارها) متمرکزند. این دیدگاه نظری، دریچه ارزشمندی را برای درک سازمانها و مدیریت معاصر فراهم می‌کند. ادھیکاری و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که اصلاحات حسابداری بخش دولتی با بهره‌گیری از ایده‌های نهادگرایی جدید دو کشور کمتر توسعه یافته یعنی نپال و سریلانکا می‌تواند صورت گیرد. با این حال، افزایش مقاومت در برابر تغییرات حسابداری در سطح پایین اداری مشاهده شد. نتایج مطالعات رابالو (۲۰۱۴) بیانگر آن است که نهادگرایی به گسترش درک بکارگیری نوآوری‌های حسابداری مدیریت کمک می‌کند. همچنین این مطالعه با تکیه بر نهادگرایی، بینش عملی برای کسانی که قصد دارند تغییراتی در شیوه‌های حسابداری مدیریت در یک محیط سازمانی انجام دهند، فراهم می‌کند.

سائرلند (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان ایدئولوژی‌ها، نهادها و نهادگرایی بیان می‌کند که نهادگرایی تمرکز زیادی بر نهادها، منطق آنها و منشأ آنها دارد. همچنین عنوان کرد که بحث در نهادگرایی‌های جدید، هنگامی که پدیده ایدئولوژی در تحلیل نهادها وارد شود، پیچیده‌تر می‌شود. نتیجه به دست آمده مبین آن است که نوع نگاه به جهان و تغییر ایدئولوژی‌ها بر عملکرد سیستمها و سازمان‌های سیاسی و اقتصادی اثرگذار است. هادلر (۲۰۱۵) با بررسی موضوع نهادگرایی استدلالی به این نتیجه رسید که نهادگرایی استدلالی با تمرکز بر توسعه ایده‌ها، نهادها را فرآیندی می‌داند که متأثر از رفتارهای فردی هستند. همچنین نهادگرایی استدلالی با ادغام سایر نهادگرایی سبب ایجاد دیدگاه جامع‌تری شد. ناگندراکومار (۲۰۱۹) بر این باورند که رویکرد نهادگرایی به توسعه و بهبود حرفه حسابداری کمک می‌کند. راجل و گیوسی (۲۰۱۹) در پژوهش خود دریافتند که جهانی‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی را می‌توان با استفاده از نظریه نهادگرایی جامعه‌شناختی به بهترین وجه درک کرد، زیرا این نظریه بر حفظ هویت و فرایندهای مشروعیت در هنگام انطباق استانداردها متمرکز است.

گریرو، رودریگز و کریگ (۲۰۲۰) این موضع را اتخاذ کردند که نظریه نهادی به درک بهتر و عمیق‌تری از روند تغییرات مرتبط با تصویب و اجرای استانداردهای بین‌المللی حسابداری کمک می‌کنند. نتایج به دست آمده از سمینار و همکاران (۲۰۲۰) حاکی از آن است که تأثیر نهادی بر سیستم حسابداری به طور عینی با الزامات اجتماعی و بین‌المللی همراه است. همچنین از این مطالعه نتیجه می‌گیرد که نهادینه‌سازی حسابداری هم یک نیاز عینی از زمان و هم یک مکانیسم فشار همگانی است. فیلهو (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان واقع‌گرایی انتقادی و نهادگرایی در اقتصاد بیان کرد که رویکرد رئالیسم انتقادی با تقابل نهادگرایی موجبات پیشرفت مکاتب نهادگرایی را فراهم می‌آورد. نتایج مطالعات اندریز و همکاران (۲۰۲۱) به نقش نهادگرایی سازمانی در توسعه نهادها بیان کردند که تکامل و تغییر در سازمان‌ها نیازمند برنامه تحقیقاتی یکپارچه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش بر این بود که تصویری از ابعاد گوناگون مسائل مربوط به نهادگرایی نشان داده شود. نهادگرایی در تبیین پدیده‌های اقتصادی، نگاه بین‌رشته‌ای داشته و از یافته‌های سایر علوم، همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و حقوق استفاده می‌نماید تا بتواند رفتار عاملان اقتصادی را به بهترین وجه، تحلیل و بررسی نماید. نهادگرایان با اشاره به نکات ضعف نئوکلاسیک‌ها و به ویژه نادیده گرفتن اقتصاد ارزشی و مباحث مربوط به حقوق سطوح پایین جامعه و توزیع درآمد، ایجاد نهادها را برای رفع مشکلات مطرح کردند. نهادگرایی بر فرض‌های رفتاری نظیر عقلانیت محدود و فرصت‌طلبی استوار می‌باشد. نهادگرایان معتقدند که نهادها می‌توانند نقش مهمی در کاهش هزینه‌های معامله، عدم اطمینان بازار، هزینه‌های اطلاعات و در کمک به نظارت و اجرای قراردادها داشته باشند.

به عنوان جمع‌بندی بحث بایستی عنوان نمود که اقتصاد نهادگرایی جدید به عنوان یک کوره جوشان از عقاید تمرکز زیادی بر نهادها، منطق، منشأ و تغییرات دارد. به عبارتی، نهادگرایی مذکور سبب تحول سازمانی و حسابداری یک سازمان می‌شود. تئوری نهادگرایی جدید می‌تواند درک عمومی نسبت به واکنش سازمان به مسائل اجتماعی و زیست محیطی را افزایش دهد. در مجموع می‌بایست عنوان نمود که نهادگرایان معتقدند رسیدن به توسعه نهادی در جهت کاهش مخاطرات و هزینه‌های مبادلاتی ضرورت داشته و این دو به صورت دوسویه موجب تقویت و یا تضعیف یکدیگر می‌شوند.

همان‌طور که در متن مقاله نیز بیان گردید، ایدئولوژی‌ها نوعی بنیاد تکاملی برای مجموعه نهادهای رسمی هستند که جامعه، اقتصاد یا حتی سازمان‌ها را در چارچوب خود قرار می‌دهند. متأسفانه، یکی از چالش‌های مهم در نهادگرایی، مفهوم‌پردازی ایدئولوژی‌ها و به عنوان مثال تمایز دقیق بین ایدئولوژی‌ها و نهادهای غیررسمی است. همچنین برای بررسی اینکه چگونه ارتباط و تعامل بین اعضای یک مجموعه می‌تواند به منشأ تکاملی ایدئولوژی‌ها و نهادها منجر شود، از نظرها مغفول مانده است. لذا، پژوهشگران باید با تمرکز بر تعریف و رابطه مشخص بین ایدئولوژی و نهادگرایی به رفع ابهامات در این زمینه بپردازند.

با مرور مباحث، آنچه که به ذهن متبادر می‌رسد این است که کار کردن برای حل مسائل خاص با راه‌حل‌های متناسب با شرایط محلی احتمالاً از پیشنهاد طرح‌های نهادی بزرگ، سودمندتر است. به علاوه تغییر نهادی به دلیل بستر نهادی غیررسمی، معمولاً نتایج مورد انتظاری به دنبال ندارد. بنابراین بهترین انتخاب، پیگیری اهداف توسعه‌ای بر اساس نهادهای موجود است.

منابع

- ✓ اخباری، محمد، (۱۳۹۳)، اقتصاد نهادگرایی اصلی: نظریه‌ای برای قرن بیست و یکم، فصلنامه روند، سال ۲۱، صص ۱۴۹-۱۷۴.
- ✓ اوانز، پیتر، (۱۳۸۰)، توسعه یا چپاول، ترجمه محمدرضا رضوی، تهران، انتشارات طرح نو.
- ✓ تودارو، مایکل، (۱۳۷۲)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- ✓ حیدری، محمدرضا، مقدم، وحید، باستانی‌فر، ایمان، مهرشاد، احمد، (۱۳۹۵)، دلالت‌های اقتصاد نهادگرایی جدید برای تجویز دولت مطلوب در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال ۲۳، شماره ۱۲، صص ۱۵۲-۱۶۹.
- ✓ دهقان، تورج، محنت فر، یوسف، (۱۳۸۵)، بررسی مکتب نهادگرایی در سیر اندیشه‌های اقتصادی، مجله اقتصادی، دوره ۶، شماره ۵۵.
- ✓ رضانی، عباس، میرفردی، اصغر، (۱۳۹۳)، تبیین نهادگرایی و گرایش آن به توسعه، مجله اقتصادی، شماره ۳، صص ۱۲۱-۱۳۸.
- ✓ شجاعی، پیام، صادق‌زاده مهارلویی، محمد، رضانی، حمیدرضا، (۱۳۹۶)، تغییر در حسابداری مدیریت و توسعه پایداری: یک چارچوب مفهومی با رویکرد نهادگرا، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۴۶-۶۲.
- ✓ متوسلی، محمود، (۱۳۸۷)، توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، نهادگرایی و روش‌شناسی، تهران، انتشارات سمت.
- ✓ مشهدی، محمود، (۱۳۹۲)، معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱۳، شماره ۴۸، صص ۴۹-۷۷.
- ✓ مومنی، فرشاد، نیکونسبتی، علی، (۱۳۹۶)، رویکردی نهادی به توسعه و دلالت‌های آن برای ایران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۴، صص ۱۲۴-۱۹۹.
- ✓ مومنی، فرشاد، (۱۳۸۸)، پاشنه آشیل توسعه، جامعه و اقتصاد، سال ۶، شماره ۱۹، صص ۲۵۷-۲۹۳.
- ✓ مومنی، فرشاد، پاداش، حمید، علیزاده، امیرخادم، سلیمانزاده، رامینه، (۱۳۹۹)، واکاوی نسبت بین نشانه‌شناسی و توسعه در چارچوب عقاید مکتب نهادگرایی، پژوهشنامه اقتصادی، سال بیستم، شماره ۷۷، صص ۱۶۳-۱۸۹.
- ✓ داگلاس، نورث، (۱۳۹۶)، فهم فرآیند تحول اقتصادی، مترجمین: سعید مهاجرانی، زهرا فرضی زاده، تهران، نشر نهادگرا.
- ✓ نایب، سعید، (۱۳۹۵)، ویژگی‌های تبیین در دستگاه نظری نهادگرایی جدید، اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، صص ۶۹-۹۱.
- ✓ نصراللهی، آذر، حاتمی، عباس، شهرام نیا، امیرمسعود، (۱۳۹۸)، نهادگرایی و توسعه، چالش‌های اقتصاد نهادی جدید در حوزه‌های نظری و سیاستی پیرامون ایجاد توسعه، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۲۶.
- ✓ یوسفی، محمدقلی، (۱۳۹۲)، بررسی نظرات مکاتب نئوکلاسیک، اتریشی و نهادگرایی درباره مکانیزم بازار، پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۸، شماره ۵۵، صص ۴۷-۹۱.
- ✓ Adams CA, Larrinaga-González C. Introduction: engaging with organisations in pursuit of improved sustainability accounting and performance. *Accounting, Auditing & Accountability Journal* 2007;20(3):333-55.
- ✓ Adhikari, p., Kuruppu, ch., Matilal, s. (2013). Dissemination and institutionalization of public sector accounting reforms in less developed countries: A comparative study of the Nepalese and Sri Lankan central governments. *Accounting Forum*,
- ✓ Andreas P. J. Schotter, Klaus Meyer, Geoffrey Wood. (2021). Organizational and comparative institutionalism in international HRM: Toward an integrative research agenda. *Human Resource Management* Volume 60, Issue 1 p. 205-227.

- ✓ Ball, A. & Craig, R. (2010). Using neo-institutionalism to advance social and environmental Accounting. *Critical Perspectives on Accounting*, 283–293.
- ✓ Ball, A. & Craig, R. (2010). Using neo-institutionalism to advance social and environmental accounting. *Critical Perspectives on Accounting*, 283–293.
- ✓ Barnett, W. P., & Carroll, G. R. (1995). Modeling internal organizational change. *Annual Review of Sociology*, 21, 217-236.
- ✓ Berger, P. & Luckmann, T., *The Social Construction of Reality* (New York: Doubleday, 1967).
- ✓ Berry, W.D., Ringquist, E.J., Fording, R.C., Hanson, R.L., 1998. “Measuring Citizen and Government Ideology in the American States, 1960–93.”
- ✓ BRUCE G. CARRUTHERS..(1995). ACCOUNTING, AMBIGUITY, AND THE NEW INSTITUTIONALISM. *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 20, No.4, pp. 313-328.
- ✓ Burns, J. and Baldvinsdottir, G. (2005), “An institutional perspective of accountants’ new roles – the interplay of contradictions and praxis”, *European Accounting Review*, Vol. 14 No. 4.
- ✓ CARRUTHERS, B. (1995). ACCOUNTING, AMBIGUITY, AND THE NEW INSTITUTIONALISM. *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 20, No.4, pp. 313-32.
- ✓ Denzau, A.T., North, D.C., 1994. Shared mental models: ideologies and institutions. *Kyklos* 47, 3–31.
- ✓ Klein, Peter (1997), *Mechanism Of Evolutionary Change In Economic Governance*, London, Edward Elgar.
- ✓ Coase, Ronald H. (1998) “The New Institutional Economics”; *American Economic Review*, Vol: 88, PP: 72-4. 28.
- ✓ Dey C. Social accounting at Traidcraft PLC: a struggle for the meaning of fair trade. Paper, 11th annual congress on social and environmental accounting research, University of Dundee, September 2002.
- ✓ Diermeier D, & Krehbiel, K. (2003). Institutionalism as a Methodology. *Journal of Theoretical Politics*, <https://doi-org.ezp3.semantak.com/10.1177/0951629803015002645>.
- ✓ Dillard JF, Rigsby JT, Goodman C. The making and remaking of organization context. *Accounting, Auditing & Accountability Journal* 2004;17(4):506–42
- ✓ DiMaggio, P. J., & Powell, W. W. (1983). “The iron cage revisited: Institutional isomorphism and collective rationality in organizational fields.” *American Sociological Review* 48(2): 147-
- ✓ Dirk, S. (2015). *Ideologies, Institutions, and the New Institutionalism*. Witten/Herdecke University.
- ✓ EGGERTSSON, T. (1997). The Old Theory of Economic Policy and the New Institutionalism. *World Development* V. ol. 25, No. 8, pp. 1187-1203, 1997.
- ✓ Fenna, A. 1998, *Introduction to Australian Public Policy*, Longman, Melbourne.
- ✓ Filho, (2020). Critical Realism and Institutionalism in Economics: A New Perspective on an Old Debate. *JOURNAL OF ECONOMIC ISSUES*, DOI 10.1080/00213624.2020.1829918.
- ✓ Giorgos, Meramveliotakis. (2018),. *New Institutional Economics: A Critique of Fundamentals*. *Asian Journal of Social Science Studies*, Vol. 3, No. 2.
- ✓ Gray R. The social accounting project and Accounting, Organizations and Society Privileging engagement, imaginings, new accountings and pragmatism over critique. *Accounting, Organizations and Society* 2002;27(7):687–708.
- ✓ Greif, Avner, Milgrom, Paul and Weingast August Barry, R. (1994), “Coordination, Commitment and Enforcement, The Case of the Merchant Guild”, *Journal of Political Economy*, 102, 4, August, PP.745-776.
- ✓ GUERREIRO, M. S.; RODRIGUES, L. L.; CRAIG, R. (2020) Institutional Theory and IFRS: An agenda for future research. *Revista Espanola de Financiacion y Contabilidad*. DOI: 10.1080/02102412.2020.1712877

- ✓ Hadler, M. (2015). Institutionalism and Neo-institutionalism: History of the Concepts.
- ✓ Hadler, M. (2015). Institutionalism and Neo-institutionalism: History of the Concepts. DOI:10.1016/B978-0-08-097086-8.03187-1.
- ✓ Hayek, Fredrich A. (1946), "Economics and Knowledge", in Hayek Individualism and Economic Orders, Chicago, University of Chicago Press.
- ✓ Heico, Kerkmeester (1999), "Institutional Methodology: General, Encyclopedia", Low & Economic, PP. 383-395.
- ✓ Hirsch, P. M. 1997, 'Ending the Family Quarrel: Towards a Reconciliation of "Old" and "New" Institutionalism', American Behavioural Scientist, 40: 406-18.
- ✓ Hodgson, Geoffrey M. (1998). Introduction. Cambridge Journal of Economics, 22: pp 397-401.
- ✓ Hoque, Z., Alam, M. (2012). TQM adoption, institutionalism and changes in management accounting systems: a case study. Accounting and Business Research., Volume 29, 1999 - Issue 3.
- ✓ Hutchison, T. (1984). Institutional Economics Old and New. Journal of Institutional and Theoretical. pp. 20-29
- ✓ James, w. (2009). Rationality, institutionalism and accounting change: Understanding a performance management system within an Australian public sector entity. Journal of Accounting & Organizational Change.
- ✓ JONES, K & JACOBS, K. (2009). Public Accounts Committees, New Public Management, and Institutionalism: A Case Study. Politics & Policy Volume 37, Issue 5 p. 1023-1046.
- ✓ Koelble, T.A. 1995, 'The New Institutionalism in Political Science and Sociology', Comparative Politics, 27, pp. 221-244.
- ✓ Lewis L. Environmental audits in local government: a useful means to progress in sustainable development. Accounting Forum 2000;24(3):296-318.
- ✓ Lounsbury M. Exploring the institutional tool kit. The rise of recycling in the U.S. solid waste field. American Behavioural Scientist 1997;40(4):465-77.
- ✓ Lounsbury M. Institutional sources of practice variation: staffing college and university recycling programs. Administrative Science Quarterly 2001;46(1):29-57.
- ✓ Lounsbury M. Institutional transformation and status mobility: the professionalization of the field of finance. Academy of Management Journal 2002a;45(1):255-66
- ✓ Lowndes, V. 1996, 'Varieties of New Institutionalism', Public Administration, 74: 181-97.
- ✓ Matthews.R.C.O.(1986). The economics of Institution and the sources of economic growth, econ.j.96.pp903.
- ✓ MillanM, & Patrick K. (1997). The emergence of the US accounting profession 1880-1900 : a new institutionalism perspective.
- ✓ Morris J. Making the transition from LA21 to community strategies. Interim Report for the UK Sustainability Group; 2001
- ✓ NAGENDRAKUMAR, N. (2019) Revisiting Institutional Theory: Accrual Accounting Reform in Public Sector, Sri Lanka. Annual Conference-Association of Public Finance Accountants of Sri Lanka (public sector wing of Institute of Chartered Accountants of Sri Lanka)
- ✓ North, D.C. (1995), The New Institutional Economics and Third World Development, In Hunter J & C, Lewis, Eds.
- ✓ O Driscoll, J. and Rizzo, M. (1996), The economics of Time and Ignorance London: Basil Blackwel
- ✓ Rachel, B. & Giuseppe, G. (2019). Glocalization of accounting standards: Observations on neo-institutionalism of IPSAS. Public Money & Management. Feb2019, Vol. 39 Issue 2, p95-103.

- ✓ Richter, R. (2005). The New Institutional Economics: Its Start, its Meaning, its Prospects. *European Business Organization Law Review*, 6.
- ✓ Robalo, R. (2014). Explanations for the gap between management accounting rules and routines: An institutional approach. *Revista de Contabilidad-Spanish Accounting Review*.
- ✓ Roland, Gerard. (2004). Understanding Institutional Change: Fast-Moving and Slow-Moving Institutions. *Studies in Comparative and International Development*, 38, 4.
- ✓ Rutherford, M. (1995). The old and the new institutionalism: can bridge be built?, *Journal of economic Issues*, Vol. 29.
- ✓ Sauerland, D. (2015). Ideologies, Institutions, and the New Institutionalism.
- ✓ Schmidt, V.A., 2008. Discursive institutionalism: the explanatory power of ideas and discourse. *Annual Review of Political Science* 11, 303–326
- ✓ Selznick, PH. (1996). Institutionalism "Old" and "New". *Administrative Science Quarterly*. Vol. 41, No. 2, 40th Anniversary Issue. pp. 270-277.
- ✓ SEMENYSHENA, N. (2016) Traditional and new institutional aspects in accounting theory. The strategy for the balanced use of the economic, technological and resource potential of the country: Collection of scientific papers of the II International Scientific and Practical Conference (June 1, 2016, Kamianets-Podilskyi, p. 209-211). Ternopil: Krok.
- ✓ Semenyshena, N., Sysiuk, S., Shevchuk, K., Petruk, I. & Benko, I. (2020). INSTITUTIONALISM IN ACCOUNTING: A REQUIREMENT OF THE TIMES OR A MECHANISM OF SOCIAL PRESSURE? *INDEPENDENT JOURNAL OF MANAGEMENT & PRODUCTION (IJM&P)*. ISSN: 2236-269X
- ✓ Semenyshena, N., Sysiuk, S., Shevchuk, K., Petruk, I., Benko, I. (2020). INSTITUTIONALISM IN ACCOUNTING: A REQUIREMENT OF THE TIMES OR A MECHANISM OF SOCIAL PRESSURE? *INSTITUTIONALISM IN ACCOUNTING: A REQUIREMENT OF THE TIMES OR A MECHANISM OF SOCIAL PRESSURE?* 10.14807/ijmp.v11i9.1440.
- ✓ Stanfield, James R. (June 1999) .The Shape, Method and Significance of Original Institutional Economics. *Journal of Economic Issues*, 32: pp 231-255.
- ✓ Telford B. The use of environmental management techniques in local authorities. Paper, British accounting association annual conference, Jersey, April 2002.
- ✓ Thelen, K. 1999, 'Historical Institutionalism in Comparative Politics,' *Annual Review of Political Science*, 2: 374-77.
- ✓ Townley B. The role of competing rationalities in institutional change. *Academy of Management Journal* 2002;45(1):163–79.
- ✓ Vogel, R., 2009. Paradigm shifts as ideological changes: a Kuhnian view of endogenous institutional disruption. In: Meyer,
- ✓ Voigt, Stefan. (2013). How (Not) to Measure Institutions. *Journal of Institutional Economics*, 9, 1: 1-26.
- ✓ Walter W. Powell & Patricia Bromley. (2013). New Institutionalism in the Analysis of Complex Organizations Prepared for the International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences.
- ✓ Walter W. Powell & Patricia Bromley.(2013). "New Institutionalism in the Analysis of Complex Organizations. *International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences*, 2nd Edition.
- ✓ Williamson, Oliver E. (2000), "The New Institutional Economics: Taking stock , Looking Ahead", *Journal of Economic Literature*, No 3, Vol XXXVIII, pp 595-613.
- ✓ ZHUK, V. M. (2012) Deepening the essence of the subject of accounting. *Accounting and Finance of the Agro-Industrial Complex*, n. 1, p. 16-23.